

اطفای حریق با آب حمام وتخریب بنا!



روزنامه‌نگار حسین تاجریات

در سال ۱۲۱۸ هجری قمری زمانی که عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه می‌شود، تبریز به «شهر ولیعهدنشین» تبدیل می‌شود. طبق همین سنت، مظفرالدین میرزا نیز یک سال قبل از اینکه در سال ۱۲۷۸ قمری به ولیعهدی ناصرالدین شاه انتخاب شود، به‌عنوان حاکم آذربایجان به تبریز می‌آید. ضمن اینکه این شهر در دوره جنگ‌های ایران و روسیه، مرکز نقل و مقر فرماندهی است و بنا به دلایلی چند، مانند نزدیکی به سرحدات عثمانی و روسیه تزاری، همیشه در کانون توجه قرار دارد. درحقیقت بعد از دربار تهران، دربار تبریز مهم‌ترین مرکز سیاسی ایران به‌شمار می‌رود، چراکه شاه آینده از آن سر برمی‌آورد و آینده سیاسی کشور در آن تعیین می‌شود. شاید مجموع همین عوامل باشد که روس‌ها را بر آن می‌دارد که نخستین مرکز اطفائیه ایران را در تبریز بنیان گذارند، مرکزی که برخی پژوهش‌ها، تأسیس آن را در سال ۱۲۲۱ خورشیدی می‌دانند. از آنجا که روز ۷مهر در تقویم ملی ما به «روز آتش‌نشانی و ایمنی» شناخته می‌شود، امروز بهانه‌ای داریم تا در صفحه تاریخ و هویت شهرآرا درباره اطفای حریق یا همان آتش‌نشانی در مشهد قدیم بگوییم.



اولین پمپ‌های اطفای حریق در مشهد

حریق‌های مشهددر این دوره به‌کمک تخریب‌بناهای هم‌جوار و با بهره‌گیری از آب جاری با آب حوض منازل اطراف خاموش می‌شود، البته گویا در سال‌های بعد، چند پمپ در مشهد برپا می‌شود که از آن‌ها برای پمپاژ آب حوض یا جوی استفاده می‌شود. روزنامه اطلاعات یومیه در شماره ۱۹۵ سال اول خود به تاریخ ۱۹شوال ۱۳۳۲ قمری، برابر با ۱۸شهریور ۱۲۹۳ گزارش مفصلی از حریق شب گذشته بازار بزرگ مشهد و نحوه اطفای آن می‌نویسد. آن‌طور که از اسناد برمی‌آید، تا قبل از این گزارش، هیچ نشانی از استفاده از پمپ در اطفای حریق‌های مشهد نیست، «قریب ساعت ۴ دکان سیگارفروشی غلامرضا نام تبریزی متصل به دکانین زیر کمپرسی سرشور، غفلتا مشاعل گردیده، پلیس‌های کمپرسی به محض شکستن درب دکان، شراره آتش طوری به میانه بازار زبانه کشیده که درب دکان مقابل آتش گرفته و چون در دکان سقط‌فروشی، وصل به دکان سیگاری و دکان مقابل چندین چیلک نفت بوده، سرعیا محترق و شراره آتش به سایر دکانین و سقف چوبی بازار سربایت کرده، اتاق‌های کمپرسی را فراگرفته. مأموران کمپرسی همین‌قدر فرصت کرده‌که با تلفن به اداره نظمیّه اطلاع داده و درصدد اطفای نایره و جلوگیری زبانه‌های آتش جسور برآمده بودند. از طرف اداره نظمیّه به تمام کمپرسی‌های محلات قدغن شد به‌فوریّت کلیه صاحب‌منصبان و پلیسان کشیک به کمک بروند. از حسن اتفاق، موقع عوض شدن کشیک پلیس بوده، یک کشیک را برای حفاظت محلات گذارده و کشیک دیگر با نهایت سرعت به محل احتراق برده. مطابق دستورالعمل اداره نظمیّه، یک قسمت پلیس را در بازار و گذرها به جهت پایدن سیدعلی‌ها و جلوگیری از شراره چوپالیان که با یک شدت و حرارتی حاضر شده بودند و برای حراست اموال کسبه که دکانین خود را خالی کرده و در بازار ریخته بودند، مأمور نمود. بقیه از اطراف با بیل و کلتک مشغول بریدن و قطع کردن اتصال دکانین و خانه‌های اطراف آتش شده و بر حسب تقاضای اداره نظمیّه، دستگاه تلمبه بزرگ از بانک مراپحه قزاق‌های مأمور بانک به‌فوریّت به بازار آورده و نیز یک دستگاه تلمبه دیگر هم از خانه حاجی محمدحسن حکاک آورده. از دو طرف بازار مشغول پاشیدن آب به محل احتراق شدند. حوض‌های خانه‌های اطراف که تمام شد، سقف حمام شاه را که متصل به بازار است، خراب، تلمبه را نصب کرده، مشغول آب زدن شدند. پس از زحمت زیاد از تجاوز نایره به اطراف، جلوگیری و تا قبل صبح، آتش را خاموش کردند..»



نخستین تشکیلات اطفائیه در تبریز

در این بین تبریز که پیشگام امر اطفای حریق است، درست ۱۰سال بعد از ایجاد بلدیّه، تشکیلات، اطفائیه، را در اردیبهشت ۱۲۹۶ خورشیدی افتتاح می‌کند. در مشهد اما نهاد مشخصی برای فرونشاندن حریق‌های گاه‌وبیگاه نیست و روش اطفای حریق به‌همت نیروهای نظمیّه، به یآوری مردم تا اواخر دوره قاجار، همچنان برقرار است. روزنامه، فکر آزاد، در شماره ۳۳سال اول خود به تاریخ ۱۲ربیع‌الاول ۱۳۴۱ قمری، برابر با ۱۰آبان ۱۳۰۱ خورشیدی، از حریق پنج روز قبل مشهد در دکان عطاری حاج سیدحسن عطار در اول بازارچه سرسوق خبر می‌دهد که به همین شیوه فرونشسته است: «از کمپرسی بازار به رئیس نظمیّه راپورت داده، آقای یاور پاشاخان با ادوات اطفائیه به محل حریق حاضر شده و از سایر نواحی هم کمک طلبیده، به مساعدت عداى از اهالی، حریق را خاموش می‌نمایند..» همین روزنامه، یازده روز بعد در شماره ۳۵ از حریق سخت کاروان سرای «مشهدی‌ستار» می‌نویسد که «مردم و نظامیان مشغول اطفای آتش بودند. یادر شماره ۴۹ به حریق منزل آقای سرهنگ مهدی‌خان، رئیس توپخانه، اشاره می‌کند که «آقای رئیس نظمیّه با عده‌ای آژان و آلات اطفائیه به محل حریق رفته، حریق منور را به مساعدت عده‌ای از نظامیان، خاموش نمودند..»



تصاویر استفاده‌شده در این گزارش، متعلق به آتش‌نشانی مشهد و عملیات اطفای حریق توسط آنان است / دهه ۵۰ خورشیدی

پلیس‌ها؛ اولین آتش‌نشانان مشهد

در روزگاری که وسایل ارتباطی بسیار مختصر و اندک بوده است، برای باخبر شدن از حریق‌هایی که تبریز را تهدید می‌کند، یک برج به اینکار روس‌ها ساخته می‌شود؛ برج آتش‌نشان یا، یانقین، که هنوز هم در شهر تبریز برپاست. یک نفر پیوسته بر فراز آن چشم می‌کشد تا از هرجای شهر دودی برخاست، بلافاصله به نیروهای پایین برج خبر دهد و عملیات اطفای حریق در کمترین زمان ممکن با چند پمپ دستی برنزی و مسی دوطرفه آغاز شود. در مشهد و دیگر شهرهای ایران اما چنین وسایلی وجود ندارد. آن‌طور که روزنامه «حبل‌المتین» در شماره ۹ سال هشتم انتشار خود به تاریخ ۱۰شعبان ۱۳۱۸ برابر با ۱۲آذر ۱۲۷۹ خورشیدی درباره «حریق در خراسان» می‌نویسد، شهر مشهد «اسباب اطفائیه، ندارد؛ در خیابان علیا، جنب شفاخانه حضرت رضا، ساعت ۶ ایرانی که ۱۲ انگلیسی است، بیستم ماه جمادی‌الآخری (۲۳مهر) می‌باشد، حرقی واقع شد و بسیار نقصان به اهالی وارد آورد ولی چون کاروان سرا و مدرسه در آن محل واقع است، مردم اجتماع نموده و با زحمات بسیار به اطفای آن پرداختند. با وجود این، شش باب دکان با اموال و ائقال خاکستر گردید، به‌طوری‌که از دیده صاحبان آن دکانین به‌جای آشک، خون می‌بارد. افسوس که در همچو بلدی که دارای این وضع خیابان است، اسباب اطفائیه وجود ندارد.. نویسنده این مطلب، تأسف می‌خورد که شهری که قدیمی‌ترین خیابان ایران را دارد، وسیله‌ای برای خاموش کردن آتش ندارد. در این روزها حرقی اگر رخ می‌دهد، خاموش کردن آن برعهده قوای نظمیّه و پلیس است. کما اینکه در مطلبی که روزنامه «نوبهار» در شماره ۲۲ سال اول خود به تاریخ ۱۷مهر ۱۳۲۹ قمری، برابر با ۲۷دی ۱۲۸۹ درباره درگیری پلیس‌ها و دربان‌های آستانه منتشر کرده است، مفاد نامه‌ای از دربان‌ها را می‌آورد که آن را جناب حاجی میرزا علی‌اصغر رضوی برای جناب ایالت می‌فرستد تا غائله را بخواباند. اولین بند نامه این است: «انتظام و مسئولیت چهار بست کلیتا با دربان‌ها باشد و پلیس‌ها را در آنجا امرونهی باقی نماند، ولی شب‌ها درذبگیری و مسئولیت سرعت و حریق با پلیس باشد..»



اطفا به روش انهدام!

بدیهی است اطفای حریق با استفاده از روش‌های سنتی یا تخریب‌بنا، در عین ناکارآمدی، آسیب‌های فراوانی به‌دنیاال دارد؛ روزنامه اطلاعات یومیه در همان شماره ۱۹۵ خود می‌نویسد: «۳درب دکان از آتیه‌فروش، قالی‌فروش، رزازی و سمساری، قنادی، عطاری، نانواپی، بلورفروشی، صرافی، فشنگ‌فروشی، دواخانه و غیره که در اکثر آن‌ها اجناس و اشیای احتراقیه بوده، هستند و نیز یک نفر پلیس، پشت‌بام وارد آمد که در تحت معالجه مشتلل شده بود، سوراخ می‌کرد. دو نفر متفرقه هم ایستاده بودند. به‌واسطه سوختن تیره‌ها، یک‌مرتبه سقف خراب[شد]، پلیس و دو نفر دیگر در خاک و آتش فرورفته، با کمال سرعت آن‌ها را بیرون آوردند. پا و پشت و دست آن‌ها سوخته، مجروح شده بود. روز که پلیس‌ها اطراف بازار را گرفته و مشغول خراب کردن اتاق‌های نیم‌سوخته بودند، یک اتاق به روی سه نفر

متفرقه، خراب، یک نفر از آن‌ها کوبیده و مجروح شده، حمل به مریض‌خانه انگلیس کردند که مشرف به موت است..» روزنامه «نوبهار» نیز که در همین تاریخ(۱۹شوال ۱۳۳۲ قمری) در شماره ۷۴ سال دوم خود، ذیل وقایع شهری به «حریق دهشتناک» پرداخته است، این‌شیوه را نقد می‌کند و می‌نویسد: «آه چه حرقی! چه آفتی! که آجرها هم سوخته بود و متأسفانه درمیان آن هیاهو و عرش زبانه‌های آتشین و دود و همهمه، به‌جز ازدحام بی‌معنی و آب‌پاشی‌های بی‌قاعده، چیزی دیده‌نی‌شد. از حسن اتفاق، سقف‌های تخته تمام شده، پشته پایوها هم تمام شد و حریق از حد جسورانه خودش تجاوز نکرد، والا تمام بازار طعمه حریق زبانه‌دار شده بود..»

روزنامه رعد، دیگر جریده‌ای است که چند روز بعد در شماره ۱۹ سال پنجم انتشار خود به تاریخ ۲۴شوال ۱۳۳۲ قمری، برابر با ۲۳شهریور ۱۲۹۳ و از طریق مشهد می‌نویسد: «... چون در خانه‌های اطراف، آب جاری کمیاب بود و اسباب خاموش کردن موجود نبود، ۳۶ باب مغازه دکان سوخت. از طرف نظمیّه اقدامات به عمل آمده، از بانک روس تلمبه آورده، مشغول آب زدن شدند. هشت باب دکان را هم خراب کردند. می‌گویند زباده از ۵۰هزار تومان ضرر به صاحبان دکانین وارد آمده..»

کامیون‌های چک در ناوگان مشهد

روزنامه «آفتاب شرق» در ۲۶آذر سال ۱۳۱۵ و زیر تیتر «ساختمان آتش‌نشانی» می‌نویسد: «اداره شهرداری شروع به ساختن محلی برای اتومبیل‌های آتش‌نشانی و مأمورین آتش‌نشانی کرده است. محل مزبور در ابتدا، امتدادشمالی خیابان پهلوی وازاراضی گورستان امیرمیرزا انتخاب گردیده و با سرعت پیشرفت می‌نماید..» این مکان شامل نه دهانه گاراژ است که بالای آن‌ها، سه اتاق به‌منظور آسایشگاه قرار دارد. در مقابل این بخش، دو ساختمان مجزای کوچک نیز برای نگهبان و ناظم آتش‌نشانی ساخته شده است. ۲۶آبان ۱۳۱۶ داتره اتومبیل شرکت‌سهامی مرکزی از طریق وزارت داخله، قرارداد خرید یازده دستگاه خودروی پنج‌تنی آتش‌نشانی کارخانه خودروسازی چکی اشکودا را می‌بندد. سهم شهرهای شیراز، بابلسر، بهشهر، آمل، تبریز، قوچان وبروجرد یک دستگاه است و فقط اصفهان و مشهد هستند که دو دستگاه از این خودروی مدرن را می‌گیرند که با مخزن پر تا پنجاه کیلومتر نیز سرعت دارد، البته این خودروها در نیمه دوم سال ۱۳۱۷ به مشهد می‌رسند تا آتش‌نشانی مشهد با سه خودروی ویژه، شامل دو اتومبیل پنج‌تنی و یک اتومبیل دوتنی، نه‌تنها حریق‌های مشهد که در برخی مواقع، حریق‌های شهرهای مجاور را نیز فروب‌نشانند.

تأسیس اطفائیه در گاراژ خرازی

تشکیلات اطفائیه اواخر دهه اول قرن گذشته، در مشهد پامی‌گیرد. در این دوره، نیروهای نظنظیف اداره احتسابیه بلدیّه ضمن نظافت شهر، وظیفه کمک برای اطفای حریق را نیز برعهده دارند، کمکی که در بیشتر مواقع نتیجه خاصی به‌دنیاال ندارد و نیاز به تشکیلات اطفائیه را بیش از پیش مشخص می‌سازد. خود شهرداری در آن روزها در عمارت بزرگ (انبار فعلی نیروی انتظامی) دایر است؛ به‌همین دلیل گاراژ خرازی را در جوار خودش، به‌عنوان نخستین ایستگاه اطفائیه، انتخاب می‌کند. در آنجا تعدادی گاری اسب و سطل آب به‌عنوان وسیله اطفای حریق موجود است و تعدادی نظامی نیز به‌عنوان نخستین مأموران آتش‌نشانی مشهد انتخاب می‌شوند؛ اگرچه هیچ‌کدامشان اطلاعی در این زمینه ندارند. شیوه‌های اطفای حریق در کشور، تغییر کرده است؛ به همین دلیل شهرداری مشهد یک سال قبل از جابه‌جایی به مکان فعلی خود، یعنی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی، درخواستی برای خرید یک ماشین آب‌پاش، مکتوب می‌کند. تحویل این ماشین دو تنی به‌دلیل جابه‌جایی ساختمان شهرداری از آرگ به میدان پهلوی (شهیدای فعلی)، با تاخیر روبه‌رو می‌شود. پس از این جابه‌جایی است که نخستین شعبه آتش‌نشانی در مشهد پامی‌گیرد. اطفائیه‌چی‌ها در این دوره علاوه بر خاموش کردن آتش، وظیفه دارند با ماشین آب‌پاشی که در اختیار دارند، معابر و خیابان‌ها را بشویند و درختان را هم آبیاری کنند.

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (فست‌نودهم)

سرگذشت بازار مشهد (بخش هفتم)

مرضیه ترابی‌ا در قسمت قبل به‌تفصیل درباره تأثیر گسست دوم بر شکل و نحوه عملکرد بازار مشهد صحبت کردیم و گفتیم که مقارن با همین زمان، توسعه بازار شرق مشهد شتاب بیشتری به خود گرفت و به‌تدریج، از حالت انحصاری مربوط به کلی‌فروشی و اختصاص به کالاهای خاص و خام خارج شد. با وجود اینکه بازار سنتی مشهد همچنان جایگاه اولیه خود را حفظ کرده بود و مرکز اصلی امور تجاری و بازرگانی شهر شناخته می‌شد، این گسست‌ها به‌تدریج اسباب تغییرات مختلفی را در بافت سنتی این بازار به‌وجود آورد که در دوره‌های بعد، آسیب سنگینی به موقعیت آن وارد کرد. این آسیب، تنها شامل تضعیف جایگاه اقتصادی بازار سنتی مشهد نبود، بلکه به بافت و نوع معماری آن نیز، خسارت جدی وارد کرد که در قسمت‌های دیگر مشهدیات و ضمن بررسی تاریخ معماری شهری و بافت اطراف حرم رضوی، به آن اشاره خواهیم کرد.

گسست سوم و ایجاد بازارهای تخصصی

خیابانی که امروز آن را با نام شهیداندرزگو می‌شناسیم، اوایل دهه ۱۳۳۰ خورشیدی ساخته شد. این خیابان، مسیری بود که در امتداد خیابان خسروی (شهید دیالمه امروزی) به‌سمت میدان دقیقی (فلکه آب) شکل گرفت و هدف از ایجاد آن، کاستن از بار ترافیک موجود در فلکه حضری و آسان‌سازی عبورومرور شهروندانی بود که به‌دلیل داشتن وسیله نقلیه شخصی، نیازمند فضای مانور بیشتری بودند. مطابق رسم آن زمان -که ظاهراً در تمام ایران رعایت می‌شد- نام این خیابان را که در امتداد خیابان خسروی قرار داشت، «خسروی‌نو» گذاشتند. برای ساخت آن، مجلس شورای ملی، را که در حدود پمپ‌نزین قرار داشت، خراب کردند و تقاطع این خیابان با خیابان پهل خاکی، (آخوندخراسانی فعلی) و «شاهرضا» (آیتا... خزعلی فعلی)، به چهارراه خسروی مشهور شد که هنوز هم این نام برای مردم مشهد آشناست و از آن استفاده می‌کنند. مسیر خیابان خسروی‌نو، از میان محله سرشور می‌گذشت و به همین دلیل، بخشی از بازار سنتی شهر مشهد، بر اثر عبور این خیابان، از بین رفت و بازار چهارتکه‌شده قبلی، به پنج قسمت تقسیم شد؛ انتهای بازار سرشور تا خیابان خسروی‌نو، خیابان خسروی‌نو تا فلکه جنوبی، فلکه جنوبی تا صحن عتیق، صحن عتیق تا فلکه شمالی و فلکه شمالی به‌سمت راسته نوغان. احمد ماهوان در کتاب «تاریخ مشهد قدیم»، زمان تأسیس خیابان خسروی‌نو را سال ۱۳۳۲ خورشیدی می‌داند که احتمالاً چندان دقیق نیست و توسعه این خیابان، باید بیش از چند سال طول کشیده باشد. اما اینکه گسست سوم چه تأثیری بر شکل و فعالیت بازار سنتی مشهد گذاشت، نیز قابل بررسی و مطالعه گسترده است، هرچند که ما ناچاریم به‌اجمال این موضوع را بررسی کنیم. احداث خیابان خسروی‌نو، از یک سو با زهم از فضای تجاری بازار سنتی مشهد کاست و پیوستگی آن را دچار نقصان کرد. به این ترتیب، بخش جنوبی، یعنی قسمتی که از جنوب خیابان خسروی‌نو به‌سمت انتهای بازار سرشور امتداد داشت، رونق پیشین خود را تا حد زیادی از دست داد، هرچند که قسمت باقی‌مانده در محدوده شمال خسروی‌نو تا فلکه جنوبی هم، به‌دلیل آسیب‌های ناشی از احداث فلکه حضری در دهه ۱۳۱۰، رونق دهه‌های پرشکوهِ پیشین را نداشت، اما وضعیت آن به‌دلیل اشهار داشتن به بازار تخصصی فرش، وخیم‌نبود. امروزه این بخش از بازار قدیمی مشهد -که اتفاقاً درحال حاضر برنامه بازسازی بافت سنتی آن درحال اجراست- به بازار فرش‌فروش‌ها شهرت دارد و بخش بسیار محدودی از حافظه تاریخی این بخش از شهر مشهد، در آن حفظ شده است؛ بناهایی مانند آب‌انبار «چهل‌پایه» و مسجد تاریخی کنار آن که مربوط به دوره قاجار است، بخشی از این حافظه تاریخی محسوب می‌شود. با وجود شهرت این بخش از بازار مشهد به بازار فرش، همه حجره‌ها، سراها و تیمچه‌های آن، به فروش فرش یا خدمات وابسته به آن، مانند «رفوگری فرش» و فروش اقلام مربوط به هنر قالی‌بافی اختصاص نداشت و می‌شد درمیان آن هیاهو و سروسدا، رد مشاغلی همچون عطرفروشی، حراج‌فروشی و حتی کتاب‌فروشی را دنبال کرد که تا چند دهه قبل و پیش از توسعه بسیار گسترده سال‌های اخیر و عبور محدوده اماکن متبرکه از فضای فلکه حضری، همچنان «کزدارومریر» به فعالیت خود ادامه می‌داد؛ هرچند که نباید رقابت بازار بخش شرقی مشهد را با این بخش، در ارائه خدمات مربوط به فرش، در کاستن از جایگاه و ضریب نفوذ آن بی‌تأثیر بدانیم.

گسست چهارم و فروپاشی بازار سنتی مشهد

احتمالا اساسی‌ترین ضربه به ساختار بازار قدیم مشهد را که به نابودی بخش مهمی از آن انجامید، تخریب بزرگ سال ۱۳۵۴ خورشیدی وارد کرد. این تخریب که در زمان استانداری و نیابت تولیت عبدالعظیم ولیان به مرحله اجرا درآمد، یکی از وقایع پرچالش مربوط به تاریخ بازار سنتی مشهد است. رویکرد تاوأم با خشونت ولیان در تخریب بازار، انعکاس بسیار بدی درمیان مردم داشت و تصویر بسیار منفوری را از شخصیت وی، در ذهن مشهدی‌ها و به‌خصوص بازاریان این شهر باقی‌گذاشت. برای آنکه تصویر درستی از ماجرای تخریب بزرگ سال ۱۳۵۴ و تأثیر آن بر ساختار بازار سنتی مشهد داشته باشیم، باید ابتدا درباره مقدمات و چگونگی شکل گرفتن فکر چنین تخریبی صحبت کنیم. زنده‌یاد امیرعزیزا... عطاردی، در اسان‌پژوه نامدار معاصر، در جلد نخست کتاب «فرهنگ خراسان» در این باره می‌نویسد: «طرح توسعه فلکه، سال‌ها در دستور کار استانداران خراسان ونایب‌التولیه‌های آستان قدس رضوی قرار داشت. ولی به‌علت مشکلات فراوانی که در اجرای آن بود، مسئولان زیر بار مسئولیت‌های اجتماعی [آن] نمی‌رفتند و برای خود در درسر ایجاد نمی‌کردند، اما این مشکلات و مسئولیت‌ها چه بود که مانع مسئولان از پذیرش اجرای چنین پروژه بزرگی می‌شد؟ مرحوم عطاردی، با نقل خاطره‌ای از «سیدجلال‌الدین تهرانی» -نایب‌التولیه آستان قدس در سال‌های ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ که در اواخر دوره پهلوی به عضویت شورای سلطنت درآمد و سپس، استعفاى خود را از این شورا، در پاریس به حضرت امام‌خمینی تقدیم کرد- راز این خودداری را آشکار کرده است: «یکی از روزها در منزل سیدجلال‌الدین تهرانی بودم. آن مرحوم... ضمن سخنان خود می‌گفت: روزی شاه به من گفت چرا طرح فلکه را اجرا نمی‌کنی؟ گفتم ۲۵میلیون تومان -به نرخ سال ۱۳۴۰- به‌هید تا اجرا کنم. مرحوم سیدجلال‌الدین می‌گفت: در اینجا هزاران نفر کاسب، بازرگان، پیشه‌ور و مسافرخانه‌دار زندگی می‌کنند. امرامرعاش آن‌ها از محل کسب آن‌ها تأمین می‌گردد. من باید نخست برای آن‌ها محلی برای کسب‌وکار تهیه‌کنم و بعد طرح را به مورد اجرا بگذارم. این طرح سال‌ها ماند و کسی آن را اجرا نکرد، زیرا همه مانند سیدجلال‌الدین تهرانی فکر می‌کردند، بنابراین با وجود ضرورت توسعه فضای اطراف حرم رضوی، به‌دلیل رشد روزافزون آمار زائران، نحوه اجرای چنین اقدامی، نیاز به دقت و درنظر گرفتن جزئیات بسیار ساختاری ومهمی داشت که متأسفانه ولیان آن‌ها را درنظر نگرفت و چنان‌که اشاره خواهیم کرد، با اقدام او خسارات جبران‌ناپذیری به ساختار تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بازار سنتی مشهد وارد شد.

ادامه دارد....

منابع:
اسناد
دیجیتال
سازمان اسناد
و کتابخانه
ملی.
اخبار
خراسان در
مطبوعات،
دوره
قاجار، دوره
هفده جلدی
تألیف
سیدمهدی
سیدقلبی،
«شناسایی
و معرفی
اولین‌های
شهر مشهد»،
نوشته
غلامرضا
آذری‌خاکستر.